



دور جدید مذاکرات چطور شروع شد؟

# ورود به جزئیات برهبنای پیشنهاد ایران



**فرهیختگان** مذاکرات هسته‌ای میان ایران و کشورهای ۴+۱ بعد از وقفه‌ای کوتاه به دلیل تعطیلات سال نو میلادی روز گذشته در وین از سر گرفته شد. این دور از گفت‌وگوها سومین تجربه در مذاکرات هسته‌ای تیم جدید ایران به سرپرستی علی باقری کنی نیز هست. در دو تجربه قبلی طی ماه گذشته، کشورهای تروئیکای اروپایی با اتخاذ رویکرد تخریبی سعی در ایجاد انحراف در مسیر گفت‌وگوها و فرسایشی شدن مذاکرات داشتند. در همین راستا می‌توان به نقش مخرب فرانسه اشاره کرد. گویا در نوبت قبلی مذاکرات، نمایندگان فرانسه به دلیل شرکت در اجلاس وزرای خارجه گروه ۷ در لیورپول، به مدت دو روز میز مذاکرات را ترک می‌کنند. در غیبت نمایندگان فرانسه طرف‌های مذاکره کننده تساهل قابل قبولی روی متن پیش نویس سوومی به توافق می‌رسند. این توافق باعث پیشبرد مسیر مذاکرات می‌شد، اما نمایندگان فرانسه بعد از بازگشت به وین شروع به مخالفت با متن این پیش نویس می‌کنند تا مسیر مذاکرات دچار اختلال و فرسایشی شود. علاوه بر این مورد در تحلیل آنچه در وین می‌گذرد می‌توان به بخشی از مصاحبه اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات هسته‌ای با شبکه پارس تودی نیز اشاره کرد. وی در این مصاحبه تیم مذاکره کننده ایرانی در وین را تیمی دارای جدیت خواند و پیرامون رویکرد تخریبی

## گفت‌وگو

سیدمصطفی خوش چشم، کارشناس مسائل بین الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کرد

## تقسیم وظیفه آمریکا و ۳ کشور اروپایی برای بازی در نقش «پلیس بد»!



کشورمان نیز نه فقط در ظاهر، بلکه در باطن و به صورت کاملاً برنامه‌ریزی شده، باید «نمایش قدرت» باشد. به این معنا که با وجود روی کار آمدن دولت جدید، ابزارهای تغییر سیاست عمده فراهم است تا ما از یک طرف با اعمال اهرم‌های فشار هسته‌ای، منطقه‌ای، موشکی و... و از طرف دیگر با اقداماتی در چارچوب کاهش تاثیرگذاری تحریم‌ها، اعم از تقویت بنیه اقتصاد داخلی، گسترش روابط با کشورهای منطقه، چین و روسیه و سلسله اقدامات زودبازده کوتاه مدت دیگر بتوانیم فشار تحریم‌ها را کم کنیم. این مساله باید در سطح کلان و در سطح کل نظام، به ویژه در دولت فعلی که قابل اجرا نیز هست، اجرا شود. یکی دیگر از ضرورت‌های مورد نیاز، وجود یک صادی در کشور است. ما هر چند کم ولی بعضا حرف‌های متفاوتی از مسئولان امر می‌شنویم که این مساله تضعیف کننده تیم مذاکره کننده ماست. اینکه غنی سازی ۶۰ درصدی انجام می‌دهیم، جدای از اینکه نیاز کشور است، یک اهرم فشار روی طرف مقابل است. ما نباید به طور مثال بیان کنیم که قصد ما برای غنی سازی در چه سطحی است و آیا در درازمدت است یا همیشگی خواهد بود. اهرم فشار در جایی معنا دارد که برای طرف مقابل با ایجاد ابهام همراه باشد. نباید با موضع گیری‌های متفاوت، این اهرم فشارها از کار بیفتد. طرف مقابل می‌داند که ما غنی سازی ۶۰ درصدی را تا به نتیجه نرسیدن مذاکرات متوقف نخواهیم کرد. غنی سازی ۶۰ درصدی، جایی معنای فشار پیدا می‌کند می‌تواند فشار حداکثری به طرف مقابل وارد کند که برنامه اتی غنی سازی ما به طور مشخص بیان نشود. همین طور در زمینه شروط مطرح شده که از ابتدای مذاکرات وین به صورت کاملاً شفاف توسط کلیت نظام مطرح شد، از جمله «برداشته شدن همه تحریم‌های برجامی و پیمان‌های»، نباید با ادبیات متفاوت، ولو با همین منظور صحبت کرد. قطعاً همه باید به صورت یکپارچه این خواسته‌ها را در سطح مختلف نظام مطرح کنند. موضع گیری‌های حداکثری مقامات ارشد، درجه یک و درجه دو نظام نیاز است تا طرف مقابل متوجه شود «خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران»، ثابت و غیرقابل تغییر است. سوم، ضرورت پرداخت رسانه‌ای و جنگ تبلیغاتی حداکثری در مقابل موج عظیم عملیات روانی دشمن است. آمریکایی‌ها و رسانه‌های اپوزیسیون خارجی و معاندانی که در چارچوب منویات واشنگتن کار می‌کنند، باید فشار حداکثری عملیات روانی و رسانه‌ای سعی می‌کنند تا نخیکنان و بعد از آن، عامه جامعه را تحت تاثیر قرار دهند. اگر این روزها به تعداد خبرنگاران غربی و فارسی زبان معاند و رسانه‌هایی از جمله بی بی سی فارسی، ایران اینترنشنال و بسیاری از رسانه‌های وابسته آمریکایی، انگلیسی و صهیونیستی نگاه کنید، متوجه می‌شوید این رسانه‌ها چه جو کسب و تبلیغاتی و رسانه‌ای را در مذاکرات وین شروع کرده و به شکل روزافزونی دارند روی آن سرمایه گذاری می‌کنند. قطعاً نیاز است جمهوری اسلامی ایران در تقابل با این جور رسانه‌ای، با برنامه «از پیش اندیشیده شده» و «کارشناسی شده رسانه‌ای» برخورد کند. «غیبت رویکردی» در این صحنه، میدان را به «دشمنان مردم و کشور و اگزار خواهد کرد» و هر شخصی که فهمی از رسانه داشته

از مانع تراشی‌های نماینده فرانسه نیز در همین چارچوب است، یعنی نقشی است که از ابتدا برعهده داشته است. بخش دیگری از این اخلاص آفرینی‌ها با هدف کسب منافع است. مانند آنچه در سال ۹۲، در ژنو و در آستانه انعقاد توافق موقت رخ داد تا فرانسه پس از هرگونه توافقی امتیازات بیشتری کسب کند. آنچه در ژنو رخ داد باعث شد ایران پس از برجام، قراردادهای بسیار کلانی با اربراس، خودروسازهای فرانسوی و شرکت توتال ببندد و این مساله بیشتر تحت تاثیر همان مخالف خوانی‌هایی رخ داد که فرانسوی‌ها در نتیجه ارتباط با رژیم صهیونیستی در شب توافق ژنو رقم زدند. حالا هم بخشی از مخالفت‌های فرانسه به این دلیل است. بخش دیگری هم به این دلیل است که فرانسوی‌ها و به طور کلی سه کشور اروپایی سعی می‌کنند روابط نزدیک تری را در این پرونده با این رژیم داشته باشند تا امتیازات ویژه‌ای را هم از رژیم صهیونیستی در حوزه سیاست‌های اقتصاد داخلی کشورشان دریافت کنند و از این منظر بی نصیب نمانند. اما رفتارفته و با ورود به مذاکرات محتوایی و با توجه به اینکه هدف اصلی تیم مذاکره کننده کشورمان، برداشتن تحریم‌هاست، نقش منفی اصلی را خود آمریکا بازی خواهد کرد؛ چرا که این، طرف آمریکایی است که رهبری طرف غربی را با وجود یک سری اختلافات و تشتت‌های تاکتیکی، بین اعضای این جبهه برعهده دارد و آن کشوری که باید اصل تحریم‌ها را بردارد، آمریکا است که از این حربه به عنوان یک سلاح مستقیم علیه کشور ما استفاده کرده است و قطعاً در طول مذاکرات، منفی خوانی‌ها و تقابل بیشتری از خود نشان خواهد داد.

**با توجه به تقسیم وظیفه‌های که به آن اشاره داشتید، تیم مذاکره کننده کشورمان باید چه رویکردی داشته باشد تا سه کشور اروپایی نتوانند مجدداً در روند به نتیجه رسیدن گفت‌وگوها اختلال ایجاد کنند؟**

برای توفیق مذاکره کنندگان یک سری الزامات و ضرورت‌هایی وجود دارد که این موارد باید به سرعت محقق شود. نخست آنکه دست مذاکره کنندگان ما باید در چارچوب گفت‌وگوها از اهرم‌های فشار بیرون باشد. این اهرم‌های فشار، هم در حوزه هسته‌ای، هم در حوزه موشکی و هم در حوزه منطقه‌ای و دیگر حوزه‌ها موجود و قابل استفاده است و باید براساس یک نقشه راه برنامه‌ریزی شده و مشخص، از این اهرم‌های فشار به شکل حداکثری استفاده شود. همان گونه که آمریکایی‌ها هنوز از فشار حداکثری علیه ایران استفاده می‌کنند، شما نمی‌توانید در مذاکرات با طرف آمریکایی و اروپایی، بدون اهرم فشار به نتیجه برسید. منظور از نتیجه، نتیجه متفاوتی است که بتواند تا حدی ولو کم، روی اقتصاد کشور تاثیرگذار باشد. ما هشت سال در دولت قبل سیاست مماشات را در پی گرفتیم که نتیجه آن، افزایش فشارهای تحریمی اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا و کوچک تر شدن سفره‌های مردم بوده است. در دولت جدید که دولت انقلابی است و با دستورکاری بر سر کار آمده است که نوع سیاست‌ورزی را تغییر دهد، استراتژی مذاکراتی

درباره پیش نویس سند سوم مورد توافق احتمالی طرفین در دور جدید مذاکرات وین، گفت‌وگویی با سیدمصطفی خوش چشم، کارشناس مسائل بین الملل داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

۱۱۱

**پیش نویس جدید تا چه میزان با پیش نویس‌های مطرح شده در دوره‌های قبلی مذاکرات تفاوت دارد و وجه تمایز آن چیست؟**

پیش نویس جدید در مقایسه با پیش نویس‌های ابتکاری ایران در دور هفتم و پیش نویس وین ۶ تفاوت‌هایی دارد که در دو دسته خلاصه می‌شود؛ دسته اول، یک سری از نکات است که در پیش نویس وین ۶ وجود داشت که «فرا برجامی» و «ناقص برجام» بود که ایران خواستار «اصلاح و حذف» آنها شد و در پیش نویس پیشنهادی خود، این موارد را حذف کرد و تغییر داد. دسته دوم، مواردی بود که غالباً به مساله تحریم‌ها بازمی‌گشت و جای آنها خالی گذاشته شده بود. در پیش نویس وین ۶، تفاهمی درباره آنها به دست نیامده بود. طرف ایرانی آن موارد را نیز در ابتدای دور هفتم به پیش نویس خود افزود و خواسته‌هایش در این باره را صریحاً مطرح کرد تا در مورد خواسته‌هایش نسبت به برداشته شدن تحریم‌ها در هرگونه توافقی اتی هیچ ابهامی وجود نداشته باشد.

بنابراین آنچه ایران در ابتدای دور هفتم با ابتکار عمل روی میز قرار داد، اصلاحیه‌های عمده‌ای در وین ۶ بود که در نهایت پس از گفت‌وگوهای طولانی و مقایسه آن با وین ۶ و حذف موارد اختلاف، بخش عمده‌ای از این درخواست‌ها و حذفیاتی که ایران مطرح کرده بود، «مورد پذیرش قرار گرفت» و قرار است در سه چهار روز آینده به بقیه موارد مورد اشاره ایران هم پرداخته شود تا دستورکار مذاکرات محتوایی به طور کامل برای اوایل ژانویه و دور بعدی مذاکرات آماده شود. در حقیقت آنچه که ایران، مصرانه به دنبال آن است، برداشته شدن تحریم‌هایی است که باعث می‌شود مردم تحت فشار اقتصادی باشند. این تحریم‌ها باید به صورت کامل برداشته شود تا منفعت اقتصادی نصیب کشور شود.

**آیا از طرف‌هایی مثل فرانسه که تا الان در روند مذاکرات اختلال ایجاد می‌کردند، تغییر رفتاری دیده شده است؟**

درباره فرانسه باید گفت آنها در دور قبلی و در روزهای آخر، مانع تراشی‌های ویژه‌ای انجام دادند که بخشی از آن به دلیل نقش پلیس بدی است که فرانسه در مذاکرات ایفا می‌کند. از قدیم و مذاکرات دوره‌های قبل، در خود برجام هم یک تقسیم کار میان آمریکا و اروپا به خصوص این سه کشور اروپایی صورت گرفته بود و همچنان هم این تقسیم کار برقرار است. آمریکایی‌ها بیشتر با موارد تحریمی طرف می‌شوند و موارد هسته‌ای برجام را بیشتر اروپایی‌ها به ویژه فرانسه پیش می‌برند. همکاری آنان با آژانس و همین طور اسرائیل نیز در این رابطه بسیار نزدیک تر است و در مجموع، وظیفه پرداختن به نکات هسته‌ای به صورت سنتی برعهده اروپایی‌هاست. بخشی

باشد، می‌داند که روش برخورد با تبلیغات مسموم طرف مقابل، غیبت در روایتگری نبوده و نیست و باید تقابل حرفه‌ای درست و تمام عیار صورت بگیرد. در عین حال، نباید در پازل گره زدن مذاکره و اقتصاد بازی کرد. این کار میسر است، یعنی ما نباید همه چیز را سیاه و سفید ببینیم و فکر کنیم اگر روایتگری کنیم مذاکرات را به بازار گره زده ایم، خیر، این گونه نیست. با روایتگری درست، فعالانه و کنشگرانه، هم می‌شود گره مذاکره با بازار را از هم گشود و هم جلوی یکه تازی طرف‌های غربی و معاندان را گرفت و این یکی از اصلی ترین ضرورت‌های موفقیت مذاکره کنندگان در وین، به ویژه در مذاکرات محتوایی خواهد بود.

**در مجموع فکر می‌کنید این دور از مذاکرات چطور پیش خواهد رفت؟**

در حال حاضر در زمینه اقدامات سیاسی و برداشتن تحریم، توپ قطعاً در زمین طرف آمریکایی است و آنها هستند که باید نشان دهند به دنبال توافق هستند. اما من کنشگری در طرف ایرانی را هم تمام عیار نمی‌دانم. همان طور که پیش تر گفته شد، طرف ایرانی می‌تواند با اتکا به اقداماتی که در چارچوب ضرورت‌هایی که توضیح داده شد، یعنی «استفاده از اهرم‌های فشار»، «ایجاد جو یک صادی در چارچوب شروط نظام» و «تقویت همه جانبه پیوست رسانه‌ای»، احتمال توفیق در برداشتن تحریم‌ها را بالا ببرد. در غیر این صورت، همه چیز به طرف غربی واگذار خواهد شد تا او تصمیم بگیرد که می‌خواهد تحریم‌ها را بردارد یا خیر و با توجه به اینکه آمریکا هیچ گاه تمایل به برداشتن تحریم‌ها نداشته و ندارد، باید او را مجاب به این کار کرد که این کار، با غنی سازی ۶۰ درصدی میسر نخواهد بود و باید از دیگر مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های سخت مثل موشکی و منطقه‌ای و در حوزه‌های نرم، یعنی رسانه، بهره بسیار بیشتری ببریم تا طرف آمریکایی را ناگزیر به برداشتن تحریم کنیم.

عبدالرضا فرجی‌راد، کارشناس مسائل بین الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

## سند مشترک مذاکرات را هموارتر می‌کند

**با توجه به صحبت‌های امیرعبداله الهیمن، وزیر امور خارجه ما باید به نقطه‌ای برسیم که نفت ایران به آسانی و بدون هیچ منعی فروخته شود و پول آن به صورت ارزی در حساب‌های بانکی ایران وارد شود و ما بتوانیم به طور کامل از مزایای اقتصادی برجام برخوردار شویم. این مورد که اشاره شد، جزء مفاد این سند مشترک است. مفاد دیگر این سند چه می‌تواند باشد؟ به نظر شما تا چه میزان این خواسته ایران، مورد پذیرش طرفین مذاکره کننده است؟**

این نکته‌ای است که در ۶ مذاکرات قبلی هم مورد پذیرش واقع شد، یعنی اولین چیزی که آمریکایی‌ها پذیرفتند، آزاد کردن فعالیت اقتصادی به ویژه فعالیت نفتی ایران و آمدن پولش و آزاد کردن بانک مرکزی بود. امیرعبداله الهیمن با این گفت‌وگو نظرش این است که ما آمادگی خوبی برای مذاکرات داریم، یعنی آماده‌ایم که تحریم‌ها برداشته شود و امتیازات برجامی ایران داده شود و کنار بیایم. ایران به نظر من این آمادگی را پیدا کرده که امتیازات برجامی اش را بگیرد و به توافق نزدیک شود.

**شما در سوال ابتدایی به نامه نگاری‌های آمریکا برای ایران اشاره کردید. این نامه‌ها به چه صورت است و کدام کشور این واسطه گری را قبول کرد؟**  
من دارم به این نتیجه می‌رسم که در نهایت غیر از مذاکرات وین، گفت‌وگوهای دیگری هم با واسطه انجام می‌شود که ممکن است این گفت‌وگوها با واسطه، به گفت‌وگوهای مستقیم ختم شود. این راه هم دارد هموار می‌شود و

جدید هم در آن گنجانده می‌شود. احتمال می‌دهم که این دور از مذاکرات با موفقیت بیشتری همراه باشد، نه اینکه تمام بشود، اما قطعاً راه هموارتر می‌شود.

**یک سری از کشورهای مذاکره کننده غربی مانند فرانسه با سنگ اندازی روند مذاکرات را فرسایشی کردند تا از مذاکرات امتیاز ببرند، این کشورها چطور راضی شدند تا درباره سند مشترک جدید گفت‌وگو کنند؟ آیا امتیازی گرفتند یا مورد دیگری وجود دارد؟**

ما داریم از سند مشترکی صحبت می‌کنیم که بین ایران و آمریکا صحبت شده، و من فکر می‌کنم این کشورهایی که شما نام بردید مثل فرانسه و انگلیس، از این به بعد یک مقدار سنگ اندازی‌هایشان بیشتر شود، یعنی همیشه همین طور بوده، وقتی ایران و آمریکا به توافقی نزدیک می‌شوند و احتمال هم می‌دهند یا می‌دانند که ممکن است مذاکراتی بین اینها صورت بگیرد که طرف‌های واسط کمتر نقش داشته باشند، این نگرانی‌ها در آنها به وجود می‌آید که ممکن است آنها نقش‌شان کم بشود یا دور زده شوند و منافع برایشان مدنظر قرار گرفته نشود. به عبارتی کشورهای نام برده نگرانند که اگر این منافع، در نظر گرفته نشود، ممکن است در سطح جهانی و منطقه‌ای وزن ژئوپولیتیک‌شان از این مذاکرات صدمه بخورد. لذا به همین علت از این به بعد کار با آمریکایی‌ها هموارتر می‌شود اما با بقیه یک مقدار در ناهمواری حرکت خواهیم کرد، یعنی احتمالاً سنگ اندازی‌هایی هم از جانب کشورهای اروپایی شاهد خواهیم بود.



همه‌اش آن چیزهایی نیست که در وین انجام شده؛ هر چند در وین تلاش‌های بسیار خوبی انجام شده و نقاط مشترکی وجود دارد. بخشی از این تفاهمی که صورت گرفته، به خارج از وین مرتبط است. در واقع یک سری تلاش‌های غیرمستقیمی دارد صورت می‌گیرد که تلاش‌های داخل وین را هموارتر می‌کند.